

## **Phatic function of Jakobson linguistic theory in Meccan and Madani Surahs (The first and the last parts of Quran)**

Maryam Peyrovan<sup>\*</sup>, Ahmad Pakatchi<sup>\*\*</sup>

Abbas Ashrafi<sup>\*\*\*</sup>, Alireza Fakhari<sup>\*\*\*\*</sup>

### **Abstract**

The phatic function is one of the six functions of language that helps us understand the text and remove the obstacles to understanding the meaning of the speaker of the text. From the point of view of Roman Jakobson, each of these functions is related to one of the elements involved in the transmission of the message; That is, the sender of the message, the receiver of the message, the subject of the message, the message itself, the medium or the channel of message transmission, and the coders, and they are called emotive, conative, referential, poetic, pathic and metalinguistic functions. There are one or more functions in every sentence. The phatic function is when in a communication, the communication channel is considered. This means that sometimes there are phrases in the text whose purpose is not to inform, but to establish communication, to continue it, to end it, or to ensure the functioning of the communication channel. The issue of this research is to find the answer to the question whether the phatic function exists in the Qur'an or not, and if so, how abundant and diverse it is in the Meccan and Madani verses. Likewise, the aim is to examine the views of Muslim commentators on these

\* Ph.D. student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of theology and Islamic studies, Allameh Tabataba'i university (Corresponding Author), peyrov.m@gmail.com

\*\* Associate Professor in Quran and Hadith science, Institute for Humanities and Cultural Studies, apakatchi@gmail.com

\*\*\* Associate Professor of Theology and Islamic Education - Quranic Sciences and Hadith, Allameh Tabataba'i University, ashrafi@atu.ac.ir

\*\*\*\* Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, fakhary\_a@yahoo.com

Date received: 01/10/2023, Date of acceptance: 04/12/2023



verses. By studying part 1 of the Qur'an as Madani verses and the Meccan parts of part 30, with an analytical-descriptive method, we came to the conclusion that, firstly, there are verses with the phatic function in the Qur'an, and secondly, the frequency and variety of this type of function in the Meccan verses is more than in the Madani verses. Also, we came to the conclusion that in the traditional interpretations of the Qur'an, we can find materials related to this function.

**Keywords:** pathic function of language, Roman Jakobson, Qur'an interpretation, Meccan and Madani surahs.

## تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های مدنی و مکی (مطالعه موردی: جزء نخست و سی‌ام)

مریم پیروان\*

احمد پاکتچی\*\*، عباس اشرفی\*\*\*، علیرضا فخاری\*\*\*\*

### چکیده

کارکرد همدلی یکی از کارکردهای شش‌گانه زبان است که در فهم متن و رفع موانع فهم مراد گوینده متن به ما کمک می‌کند. از دیدگاه رومن یاکوبسن، مبدع کارکردهای شش‌گانه زبان، هر یک از این کارکردها به یکی از عناصر دخیل در انتقال پیام مربوط می‌شوند؛ فرستنده پیام، گیرنده پیام، موضوع پیام، خود پیام، رسانه یا کانال انتقال پیام و رمزگان، و به ترتیب کارکردهای عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، شعری، همدلی و فرازبانی نام دارند. کارکرد همدلی زمانی مطرح است که در ارتباط، کانال و مجرای ارتباطی مورد توجه است. به این معنا که هدف این عبارات اطلاع‌بخشی نیست، بلکه برقراری ارتباط، ادامه آن، پایان دادن به آن و یا حصول اطمینان از عمل مجرای ارتباطی است. مسئله این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا کارکرد همدلی در قرآن وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد، فراوانی و تنوع آن در آیات مکی و مدنی

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده

مسئول)، peyrov.m@gmail.com

\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، apakatchi@gmail.com

\*\*\* دانشیار الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه

طباطبائی، ashrafi@atu.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی،

fakhary\_m@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳



چگونه است؟ همین طور هدف، بررسی دیدگاه شاخص‌ترین تفاسیر بلاغی درباره این دست آیات است. با مطالعه جزء نخست قرآن به‌عنوان آیات مدنی و بخش‌های مکی جزء سی‌ام، با روش تحلیلی-توصیفی، به این نتیجه رسیدیم که اولاً آیاتی با کارکرد همدلی وجود دارند و ثانیاً فراوانی و تنوع این نوع کارکرد در آیات مکی بیش از آیات مدنی است؛ همچنین مفسران متقدم، نکاتی را بیان کرده‌اند که می‌توان آنها را در حوزه کارکرد همدلی قرار داد.

**کلیدواژه‌ها:** کارکرد همدلی زبان، رومن یاکوبسن، تفسیر قرآن، سوره‌های مکی و مدنی.

## ۱. مقدمه

کارکردهای شش‌گانه زبان که رومن یاکوبسن مطرح کرده، شامل کارکرد عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، شعری، همدلی و فرازبانی است. این کارکردها از جمله ابزارهای فهم متن هستند. تشخیص نوع کارکردهای موجود در یک متن موجب فهم بهتر آن متن می‌شود. به همین دلیل در این پژوهش برآنیم بررسی کنیم که این کارکردها (در اینجا کارکرد همدلی) تا چه اندازه ما را در فهم قرآن یاری می‌کنند. پرسش این نوشتار اولاً این است که آیا آیات قرآن دارای چنین کارکردی هستند یا نه. ثانیاً اگر در قرآن چنین کارکردی وجود دارد مفسران قرآن که از این ابزار بی‌بهره بوده‌اند، چه تفسیری از آن ارائه داده‌اند و آیا فهم آنان از آیات با فهمی که از طریق کارکرد همدلی به دست می‌آید مشابهتی دارد یا نه. همچنین در صدد یافتن پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که تعداد و نوع کارکرد همدلی در آیات مکی و مدنی به چه صورت است.

بخش‌های مورد مطالعه در این پژوهش آیات مدنی جزء یک و آیات مکی جزء سی هستند. سوره‌های بینه، زلزال و نصر در جزء سی مدنی‌اند. *المیزان فی تفسیر القرآن*، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل و التحریر و التنبیر* و *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز* تفاسیری‌اند که در این پژوهش به آنها مراجعه می‌کنیم. لازم به ذکر است که *المیزان* با اینکه به‌عنوان تفسیر بلاغی شاخص نیست اما به‌دلیل دارا بودن بحث‌های بلاغی مورد توجه است.

فرضیه‌های پژوهش:

در قرآن آیاتی با کارکرد همدلی وجود دارد.

در آیات مکی به دلیل شرایط نزول و ساختار آیات کارکرد همدلی بیشتر است.

## تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۳۳

با توجه به اینکه در منابع بلاغی به مواردی مشابه با کارکرد همدلی اشاره شده است، به نظر می‌رسد در تفاسیر نیز توضیحاتی همسو با کارکرد همدلی وجود دارد.

در بررسی پیشینه این پژوهش، مواردی یافت شد که کارکردهای زبانی را در قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند و گاه به‌طور خاص به کارکرد همدلی در بخش‌هایی از قرآن پرداخته‌اند؛ اما ویژگی این پژوهش‌ها این است که کمتر تحلیلی‌اند و تنها به ذکر موارد همدلی اکتفا کرده‌اند. همچنین در بسیاری از موارد در تشخیص آیاتی که کارکرد همدلی دارند دچار خطا شده‌اند. رک. (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۰: پیوست ۱، ص ۵، ۱۵، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۱، ۵۹؛ آهی / فیضی، ۱۳۹۲: ۲۰۲؛ گرجی / نورالدین اقدم، ۱۳۹۶: ۱۲۱؛ رزقی، ۲۰۱۵: ۸۱؛ مدفونی، ۲۰۱۱: ۱۶ و ۱۹ و ۲۰؛ الجمیلی، ۲۰۱۷: ۱۶۴).

روش این پژوهش هم توصیفی-تحلیلی و هم کمی و هم کیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی هستند.

## ۲. تعریف کارکرد همدلی

در اینجا لازم است تعریف جامع و کاملی از کارکرد همدلی ارائه دهیم تا مصادیق این کارکرد در قرآن را به‌طور صحیح تشخیص دهیم. به این منظور علاوه بر تعریف یاکوبسن به تعاریف دیگر نیز اشاره می‌شود.

یاکوبسن هر یک از کارکردهای زبان را به یکی از عناصر دخیل در انتقال پیام مربوط می‌داند. انعطاف پیام به سمت هر یک از این عناصر موجب می‌شود که آن پیام کارکرد و نقش متفاوتی پیدا کند. فرستنده کسی است که بر اساس نیازش پیامی را برای دیگری می‌فرستد و گیرنده برای فهم پیام، آن را کدخوانی یا رمزگشایی می‌کند. در هر ارتباط، پیامی راجع به موضوعی انتقال داده می‌شود. رسانه یا کانال یا مجرای ارتباطی انتقال پیام از فرستنده به گیرنده را امکان پذیر می‌کند؛ و رمزگان یا کد چیزی است که پیام توسط آن منتقل می‌شود و باید بین فرستنده و گیرنده مشترک باشد. (Jakobson, 1976:82)

هدف پیام‌های حاوی کارکرد همدلی برقراری ارتباط، ادامه آن، پایان دادن به آن و یا حصول اطمینان از عمل مجرای ارتباطی است. این نقش در قالب جملات و عباراتی است که جزء آداب معاشرت به حساب می‌آید و به‌وفور بین افراد رد و بدل می‌شود؛ یعنی در گفتگوهایی که منظور از آنها صرفاً تطویل کلام است. (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۷۹) نخستین نقشی که

کودکان فرا می‌گیرند، همین نقش است. کودک پیش از آنکه بتواند به رد و بدل اطلاعات بپردازد، مستعد ایجاد ارتباط است. (یاکوبسن، ۱۹۸۸: ۹۸)

گیرو این کارکرد را برای جلب توجه مخاطب و یا حصول اطمینان از هوشیاری او می‌داند؛ مانند «آهان» در آن سوی خط تلفن. این تأکید بر تماس می‌تواند موجب در گرفتن گفتگوهای شود که موضوع آنها معطوف به ادامه مکالمه است. (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۲) جالب است که کارکرد همدلی نقشی بسیار مهم در تمامی اشکال ارتباط ایفا می‌کند: آیین‌ها، تشریفات، مراسم، خطابه‌ها، نطق‌ها، گفتگوهای خانوادگی یا عاشقانه که در آنها محتوای ارتباط اهمیتی به مراتب کم‌تر از نفس حضور شخص و تأیید عضویت وی در گروه دارد. (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۳)

مالینوفسکی در مقاله *The problem of meaning in primitive languages* می‌گوید در یک مکالمه طبیعی و روزمره سکوت فرد مقابل نشانه تأیید نیست، بلکه برعکس علامتی خطرناک و هشداردهنده است. شکستن سکوت و تبادل کلمات اولین قدم برای ایجاد زنجیره‌های هم‌صحبتی است. پس از اولین کلمات، جریانی از گفتار به صورت عبارات غیرهدفمند، بدون اولویت تقدم و تأخر، گزارش‌هایی از اتفاقات بی‌ربط و یا اظهار نظرهایی راجع به مسائل کاملاً واضح به وجود می‌آید. (Malinowski, 1936) این گفتگوها در قالب نقش همدلی هستند.

کارکرد همدلانه نوعی از سخن است که در آن اتصال تنها با تبادل کلمات برقرار می‌شود. مصادیق آن بیان اتفاقات نامربوط و بیان چیزهایی است که کاملاً واضح هستند؛ مانند سؤال در مورد سلامت و آب و هوا، به طوری که نه فکری را بیان می‌کنند و نه اطلاعاتی می‌دهند. (Coupland, 1992: 208)

یاکوبسن در *Linguistics and Poetics* معتقد است تحقق نقش همدلی مستلزم وجود تعامل میان پرسش‌های مطرح شده و پاسخ‌های داده شده به آنهاست و قصد گوینده صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر تحقق این نقش در گفتمان است. (Jakobson, 1960: 3) به این معنی که معمولاً پرسش و پاسخ‌های کلیشه‌ای در قالب نقش همدلی هستند؛ مانند «چطوری؟ خوبم» یا «چطور؟ هیچی/همین طوری». اما اگر پاسخ از حالت کلیشه‌ای خارج شود و در قالب دادن اطلاعاتی واقعی به مخاطب درآید از فرم همدلی خارج می‌شود. برای مثال «حالت چطوره؟ این روزها اصلاً خوب نیستم و مشکلات زیادی دارم.» با این حال طبق نظر یاکوبسن، یافتن پیامی که صرفاً در قالب یکی از شش نقش زبانی باشد، دشوار است؛ بنابراین در مورد نقش همدلی نیز گاهی انحراف از این نقش پیش می‌آید و نقش‌های دیگر در کنار آن قرار می‌گیرند و یا مثلاً در یک عبارت با کارکرد ارجاعی، کارکرد همدلی نیز به صورت کمرنگ وجود دارد. برای مثال

تحلیل کارکرد همدلی نظریه‌ی زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۳۵

در نمونه‌ی بالا دو نقش ارجاعی و همدلی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در اینجا است که باید دید، کدام نقش پررنگ‌تر است و وجه غالب کدام است. کاپلند معتقد است همدلانه بودن یک عبارت واحد بستگی به شرایط و موقعیت دارد و گاه در شرایط دیگر همان عبارت معنای واقعی و غیرهمدلانه به خود می‌گیرد. (Coupland, 1992: 214) نعیمه نادری در *Analysis of phatic utterance in fictional dialogues* می‌دهد که کارکرد همدلانه حتی می‌تواند معنادار و حاوی اطلاعات باشد و اهداف ویژه‌ای را دنبال کند. (Naderi, 2017: 126)

مسئله‌ی دیگر این است که نقش همدلی با توجه به بافت فرهنگی هر زبان، در زبان‌های مختلف متفاوت است. (Noronha, Malshe, 2015: 2745) بنابراین دور از انتظار نیست که در ارتباط فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، درک درستی از کارکرد همدلی نشود.

در انتها به تعدادی از مصادیق زبان‌شناسی کارکرد همدلی که در پژوهش‌های مختلف به آنها اشاره شده است، برای تشخیص بهتر این کارکرد اشاره می‌کنیم: سلام و احوالپرسی، پرسش‌های کلیشه‌ای و تکراری در مورد وقایع روزمره، شکستن سکوت، اظهار نظر در مورد مسائل واضح و تکراری، اجازه گرفتن برای صحبت کردن، تحسین و تمجید به منظور برقراری و ادامه دادن ارتباط، معرفی خود و یا صدا کردن مخاطب، بیان کردن مطالبی برای نشان دادن حسن نیت، خوش آمد گویی، سؤال در مورد آب و هوا، ترغیب مخاطب برای ادامه مکالمه، تقدیر و تشکر، خداحافظی برای پایان مکالمه، اعلام ترک مکالمه یا بهانه آوردن برای ترک، به تعویق انداختن صحبت، سد ادامه گفتگو، موافقت با پایان مکالمه یا ادامه آن، قرار گذاشتن برای دیدار بعدی و ملایم کردن جدایی. (رک. کرامتی، ۱۳۹۰؛ یوسفی، ۱۳۹۱).

مصادیق مشابه با کارکرد همدلی در منابع بلاغی اسلامی نیز یافت می‌شوند. در اینجا با بررسی کتاب *جواهر البلاغه* به تعدادی از این موارد اشاره می‌کنیم.

کثرت تکرار (یک لفظ خواه اسم باشد یا فعل یا حرف و خواه اسم ظاهر باشد یا ضمیر، بدون فایده تکرار شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۷)، استفهام و استفهام انکاری (درباره‌ی شیء معلوم) (همان: ۷۵ و ۷۸)، تأکید (هنگام غفلت شنونده) (همان: ۱۴۴)، اغراض اصلی خیر (لازم‌الفائده و استرحام و استعطاف) (همان: ۴۱)، استیناس (همان: ۷۶)، نداء (به هدف اغراء و استغاثه) (همان: ۵۸ و ۸۶-۸۸)، اطناب (حشو، تطویل، تکریر، اعتراض به منظور طلب عطوفت یا ایغال) (همان: ۳۲، ۱۹۶، ۲۰۲-۲۰۸)، ایجاز (به منظور طلب عطوفت، شکایت از حال) (همان: ۲۰۱)، اسلوب حکیم (همان: ۳۷۱)، تجاهل عارف (همان: ۳۷۶).

### ۳. آیات با کارکرد همدلی

#### ۱.۳ کارکرد همدلی در آیات مکی جزء ۳۰

نوع کارکرد همدلی	توضیحات	متن آیه	سوره / آیه	آیه
تکرار	در مورد تکرار آیات می‌توان هدف را تأکید بر مضمون کلام دانست؛ اما این تکرار همچنین توجه مخاطب را به گوینده و سخن او جلب می‌کند. آیه ۴ دارای بار معنایی ارجاعی است اما آیه ۵ معنای تازه‌ای ندارد و کارکرد همدلی دارد	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)	نبا/ ۵	
التفات	از این آیه با تغییر ناگهانی موضوع از آیات قیامت به داستان موسی، روی سخن نیز به سمت پیامبر برگشته و توجه او را به سمت ارتباط جلب می‌کند و این التفات موجب تقویت کانال ارتباطی می‌شود	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى	نازعات/ ۱۵	
نداء	در این آیه همه انسان‌ها مورد خطاب قرار گرفته‌اند و گروه خاصی مورد نظر نیستند که بار ارجاعی داشته باشد	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ	انفطار/ ۶	
التفات	اگر این آیه را خطاب به پیامبر در نظر بگیریم التفات است	مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۷)	انفطار/ ۱۷	
تکرار	آیه ۱۸ تکرار است و معنایی جدید ندارد و خالی از بار معنایی است	ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۸)	انفطار/ ۱۸	
تکرار	آیه ۲ دارای بار معنایی ارجاعی است ولی این آیه که تکرار آن است معنای جدیدی را منتقل نمی‌کند	وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ	انشقاق/ ۵	
نداء		يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَادِحًا فَمَلَأَقِيهِ	انشقاق/ ۶	
التفات	روی سخن به پیامبر که مخاطب اصلی قرآن است برگشته است	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ	بروج/ ۱۷	
التفات		فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ	غاشیه/ ۲۱	
التفات		أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ	فجر/ ۶	
تکرار	آیه دوم معنای جدیدی ندارد.	فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)	شرح/ ۶	



### تحلیل کارکرد همدلی نظریهٔ زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۳۷

نوع کارکرد همدلی	توضیحات	متن آیه	سوره / آیه	آیه
تکرار (۲ مورد)	«ارءیت» سؤالی است که سه بار تکرار شده و مرتباً توجه مخاطب را به ارتباط جلب می‌کند. به این صورت کامال ارتباطی را تقویت می‌کند. با این حال اگر هر کدام را دارای معنایی متفاوت و در سؤال از مسئله‌ای متفاوت بدانیم نمی‌توانیم آنها را تکرار و دارای کارکرد همدلی بدانیم. و تنها در صورتی که معنای آیات ۱۱ و ۱۳ را تکرار بدانیم کارکرد همدلی خواهند داشت.	أَرَأَيْتَ الَّذِي يُنْفِي (۹) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ (۱۱) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۳)	علق / ۱۳ و ۱۱	
الفتات		وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ	قدر / ۲	
الفتات		وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْفَارِعَةُ	قارعه / ۳	
الفتات		وَمَا أَدْرَاكَ مَا هَيْبَةُ	قارعه / ۱۰	
تکرار	آیه ۴ معنای جدیدی ندارد	كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)	تکاثر / ۴	
تکرار	تکرار آیه ۳	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ	کافرون / ۵	

### ۲.۳ کارکرد همدلی در آیات مدنی جزء یک

نوع کارکرد همدلی	توضیحات	سوره بقره	آیه
حروف مقطعه	به نظر می‌رسد شروع سوره با حروف مقطعه باعث سکوت و توجه مخاطبان به کلام وحی می‌شده است. این حروف بار معنایی ندارند	الم ﴿۱﴾	
نداء	اولین خطاب قرآن که همهٔ مردم را مورد نداء قرار می‌دهد. این خطاب بار معنایی ندارد و کل مردم را به شنیدن سخن دعوت می‌کند	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ... ﴿۲۱﴾	
نداء		قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ... ﴿۲۳۳﴾	

نوع کارکرد همدلی	توضیحات	سوره بقره	آیه
نداء		وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا ... (۳۵)	
تکرار نداء	بخش ابتدایی این آیه مشابه با ابتدای آیه ۴۰ است و این شباهت و تکرار نداء که دارای بار معنایی جدیدی هم نیست دارای کارکرد همدلی است	يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا بِعِمَّتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ ... (۴۰) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا بِعِمَّتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ ... (۴۷)	
نداء		وَإِذْ قُلْنَا يَا مُوسَى إِن تُؤْمِنُ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً ... (۵۵)	
نداء		وَإِذْ قُلْنَا يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ ... (۶۱)	
درخواست توجه، اطمینان دادن از برقراری ارتباط	فعل امر «اسمعوا» مخاطب را به توجه کردن به ارتباط فرامی خواند. «سمعنا» کلام مخاطب است و به گوینده اطمینان می دهد که ارتباط برقرار است و پیام را شنیده است. خداوند بنی اسرائیل را به شنیدن آنچه به آنها نازل کرده است فرمان می دهد «اسمعوا». اگر در اینجا سمع به معنای اطاعت کردن و پذیرش باشد همدلی نیست. اگر به معنای گوش دادن به پیام الهی و توجه کردن به ارتباط باشد کارکرد همدلی دارد. احتمالاً به معنای شنیدن است زیرا آنها در پاسخ می گویند «سمعنا و عصینا»، یعنی پیام را شنیدیم و عصیان کردیم. پس سمع نمی تواند به معنای اطاعت و پذیرش باشد.	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَنشُرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ... (۹۳)	
درخواست توجه	«اسمعوا» درخواست از مخاطب برای حفظ و تقویت ارتباط	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)	
تکرار	اگر این دو تکرار را به یک معنا در نظر بگیریم و به منظور تلاش برای تقویت کانال ارتباطی، در این صورت «الم تعلم» در آیه ۱۰۷ دارای کارکرد همدلی است. اما اگر آنها را دو عبارت بدانیم که از دو مسئله مختلف سؤال کرده اند همدلی نیستند	مَا نَسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسِيهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّمَّهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۶) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۰۷)	
نداء	در این آیه و آیات بعد خداوند مورد خطاب بندگان است و می - توان گفت در این مورد نیز درخواست توجه از خداوند برای ایجاد ارتباط با اوست	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَاذُرْنِي أَهْلَهُ مِنَ التَّمَرَاتِ ... (۱۲۶)	

### تحلیل کارکرد همدلی نظریه‌ی زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۳۹

نوع کارکرد همدلی	توضیحات	سوره بقره	آیه
تکرار نداء	تقویت کانال ارتباطی با تکرار نداء	وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ... (۱۲۷)	
تکرار نداء	تقویت کانال ارتباطی با تکرار نداء	رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَكَ ... (۱۲۸)	
تکرار نداء	تقویت کانال ارتباطی با تکرار نداء	رَبَّنَا وَإِذْ فَتِنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ ... (۱۲۹)	
تکرار	آیه ۱۴۱ تکرار آیه ۱۳۴ است. در آیه ۱۳۴ معنایی بیان شده است و کارکرد ارجاعی دارد. آیه ۱۴۱ معنای جدیدی را بیان نمی‌کند و صرفاً تکرار آیه ۱۳۴ است. بنابراین از بار ارجاعی خالی است و کارکرد همدلی دارد.	تلك امة قد خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسألون عما كانوا يعملون (۱۴۱)	

### ۳.۳ تحلیل داده‌ها

تعداد کل موارد کارکرد همدلی یافت شده در جزء سی ۱۷ مورد و این تعداد در جزء یک ۱۵ مورد است.

انواع کارکرد همدلی در جزء سی به ترتیب فراوانی «تکرار و التفات و نداء» و در جزء یک «تکرار، نداء، درخواست توجه و اطمینان دادن از برقراری ارتباط» هستند.

تعداد آیات دارای کارکرد همدلی در جزء سی تنها کمی بیشتر از جزء یک است و تفاوت چندانی میان تعداد کارکرد همدلی در این دو جزء به چشم نمی‌خورد.

نمی‌توان گفت عبارات دارای کارکرد همدلی کاملاً بدون معنا هستند. به جز آیه ۱ سوره بقره که حروف مقطعه و ظاهراً بدون معنا است، سایر موارد معنادار بوده اما در سیاق مورد نظر از بار معنایی ارجاعی و عاطفی و ترغیبی خالی هستند و کارکرد غالب آنها کارکرد همدلی بود. در اینجا باید توجه داشت هر کلامی که شکل می‌گیرد در جهت ایجاد ارتباط است و در واقع کارکرد همدلی دارد ولی آنچه مورد نظر ماست عباراتی هستند که کارکرد همدلی در آنها غالب است و کارکردهای دیگر یا در آنها وجود ندارند و یا کم‌رنگ اند.

در اینجا لازم است به بررسی دیدگاه پنج تفسیر مورد نظر پرداخته و جویا شویم که آیا در منابع بلاغی، می‌توان ذیل این آیات نکاتی را یافت که به کارکرد همدلی شبیه باشند؛ و اگر نه، تفاوت دیدگاه تفاسیر در موارد فوق الذکر را با این نظریه زبان شناسی مقایسه کنیم.

### ۱.۳.۳ حروف مقطعه

حروف مقطعه در ابتدای ۲۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن بلافاصله بعد از «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده‌اند. این حروف به صورت منقطع خوانده شده و معنای خاصی ندارند، با این حال در بعضی تفاسیر معنایی برای آنها بیان شده است. اگر این حروف را حرفی بدون معنای خاص در ابتدای کلام بدانیم می‌توانیم برای آنها کارکرد همدلی قائل شویم. زیرا شنیدن این حروف باعث جلب توجه مخاطب و شروع ارتباط می‌شود. معناداری در اینجا به این معنی است که عبارت در سیاق مورد نظر ما دارای بار معنایی ارجاعی یا عاطفی و ترغیبی و ... نباشد و عبارت بیش از آنکه به دنبال انتقال معنایی به مخاطب باشد، هدفش شروع ارتباط، تقویت و حفظ کانال ارتباطی و پایان دادن به ارتباط باشد.

در تفسیر مجمع‌البیان در ارتباط با حروف مقطعه به ۱۱ مورد اشاره شده است: حرفی که جز خدا کسی معنای آن را نمی‌داند، نام سوره است، صفتی از صفات خداست، حروف پراکنده اسم اعظم است، سوگندهای قرآن اند، حروف شالوده قرآن هستند، برای ساکت کردن مردم گفته شده است تا به سبب تازگی و نامأنوس بودن سبب سکوت شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۵۵-۵۷) اسرار قرآن (همان ۳/ ۲۳۳)، اسامی قرآن، از متشابهات قرآن، سوگندهای خدا (همان ۵، ۱۸)

موردی که در اینجا به کارکرد همدلی شبیه است کاربرد حروف مقطعه برای ساکت کردن مشرکان است. طبرسی می‌گوید مشرکان به یکدیگر سفارش می‌کردند که مبدا به قرآن گوش دهید و هرکجا کسی قرآن می‌خواند سر و صدا کنید تا صوت قرآن در میان سایر صوت‌ها گم شود «لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه». اما زمانی که این حروف را می‌شنیدند چون به نظرشان عجیب می‌آمد ساکت می‌شدند و گوش می‌دادند و درباره مفهوم آن فکر می‌کردند و بنابراین آیات قرآن را می‌شنیدند. (همان ۱/ ۵۶) آنچه در اینجا مطرح شده دقیقاً با تعریف کارکرد همدلی زبان هماهنگ است. عباراتی عجیب و نامفهوم که باعث سکوت افراد شده و توجه را به کلام جلب می‌کردند.

تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۴۱

طباطبایی اما هیچ یک از موارد مطرح شده در مجمع البیان را نمی‌پذیرد و هر کدام را با دلیل رد می‌کند. از دیدگاه او این حروف رمزی هستند بین خدا و رسول که معنای آنها از ما پنهان است، مگر همین مقدار که حدس بزیم بین مضامین سوره‌ها با حروف مقطعه مشابهت وجود دارد. برای مثال مضمون سوره‌ای که با «المص» شروع شده است با مضمون دو سوره‌ای که با «الم» و «ص» آغاز شده شباهت دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۷)

زمخشری در تفسیر کشاف بحث مفصلی در ارتباط با حروف مقطعه ارائه داده است اما به موردی که بتوان کارکرد همدلی را از آن برداشت کرد اشاره نکرده است. بعضی از مواردی که بیان کرده عبارت اند از اسماء سور (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۱)، اینکه قرآن از همین حروف تشکیل شده است، اینکه موضوعات سوره‌ها هماهنگ با حروف مقطعه است (همان ۱/۲۹)، این مسأله که حروف مقطعه برای تحدی با کافران اند تا بدانند این قرآن از همین حروف تشکیل شده و آنها نمی‌توانند با این حروف مثل قرآن را بیاورند. (همان ۲/۳۲۶)

در تفسیر المحرر الوجیز بحثی روایی مطرح شده و روایاتی که در مورد حروف مقطعه هستند بیان شده‌اند. مواردی مانند سر خدا در قرآن، اسم الله الأعظم، اسماء سوره‌ها، فواتح سور، اسماء قرآن، حروفی که قرآن از آنها ساخته شده، به معنی انا الله اعلم، برای ساکت کردن مشرکان و اینکه برای شنیدن این کلام عجیب گوش‌هایشان را باز کنند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/۸۲) همچنین گفته شده که اهل کتاب در منابع خود و از پیامبرانشان شنیده بودند که بر محمد (ص) کتابی خواهد آمد که اول سوره‌های آن حروف مقطعه است. (همان ۱/۸۲) و این نشانه‌ای بود بر حقانیت پیامبر اسلام. همچنین در مورد «طه» گفته شده است که نام پیامبر است. (همان ۴/۳۶) در این تفسیر نیز مانند مجمع البیان به حروفی نامفهوم که موجب توجه کفار به آیات قرآن می‌شدند اشاره شده است.

در تفسیر التحریر و التنویر به ۲۱ مورد در ارتباط با حروف مقطعه اشاره شده است. مواردی مانند حروف گرفته شده از اسماء الهی، اسماء ملائکه (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۲۰۵)، رموز مدت دوام امت اسلام (همان ۱/۲۰۶)، اسماء سور (همان ۱/۲۰۹) در این میان به سه مورد اشاره شده است که می‌توان آنها را به نوعی شبیه به کارکرد همدلی در نظر گرفت. یکی از موارد این است که حروف مقطعه مانند نداء که مقصود آن تنبیه است برای بیدار کردن ذهن مخاطب بیان شده‌اند. (همان ۱/۲۱۲) سپس او از فخر رازی نقل می‌کند که در تفسیر سوره عنکبوت می‌گوید فرد حکیم وقتی می‌خواهد با شخصی که در حال غفلت است گفتگو کند کلامش را با عباراتی که توجه مخاطب به سمت آن جلب شود شروع می‌کند و سپس به موضوع اصلی

می‌پردازد. عباراتی مانند نداء یا حروف استفتاح یا صوتی که توجه شنونده را جلب کند. او در ادامه می‌گوید حروف مقطعه هم با اینکه معنا ندارد ولی غرض مهمی دارد و آن آگاه کردن شنونده است. (همان ۱/ ۲۱۲) همچنین به این مسأله اشاره می‌کند که این حروف برای ساکت کردن مشرکانی بوده که سر و صدا می‌کردند. (همان ۱/ ۲۱۳) در این تفسیر به طور مفصل‌تر به این مسئله پرداخته شده و مطالبی بیان شده است که به نظر می‌رسد مفسر از نقشی مانند نقش همدلی در حروف مقطعه آگاه بوده است. او چنین کارکردی را برای نداء، حروف استفتاح و بعضی اصوات جلب توجه کننده نیز قائل است. او به خالی بودن حروف مقطعه از بار معنایی اشاره کرده است. همچنین به هدف مهم این عبارات در برقراری ارتباط یا تقویت ارتباط و جلب توجه مخاطب در هنگام غفلت اشاره کرده است.

### ۲.۳.۳ تکرار

پدیده تکرار توجه متکلمان، ادیبان، مفسران و دیگر دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده است و آنان در مکتب کلامی، ادبی، تفسیر و علوم قرآن کوشیده‌اند با پرداختن به گونه‌های مختلف تکرار در قرآن، به یافتن علت و تبیین حکمت آن پردازند. آنان برای برخی وجوه تکرار در قرآن حکمت‌هایی بیان کرده‌اند و درباره پاره‌ای دیگر از آیات اساساً تکراری بودن را نفی کرده‌اند. (کریمی نیا، ۱۳۸۰: ۳۳) بعضی از بلاغیون تکرارهایی مانند «فَبَأَى آلاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ» در سوره رحمان و «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سورهٔ مرسلات را تکرار به شمار نمی‌آورند و معتقدند این جملات برای معانی و مقاصد متعدد بیان شده است. (همان ۳۵) برای تکرار دو گونه غرض می‌توان شمرد. دینی و ادبی. دینی از این جهت که چون قرآن کتاب هدایت بشر است تکرار پیام‌ها و مضامین آن نشان دهنده توجه اکید خداوند به آنهاست و بدین ترتیب در سامعهٔ شنوندگان تأثیر ماندگارتر و بیشتری می‌گذارد. از منظر ادبی ادیبان مختلف موارد مختلفی را در ارتباط با تکرار بیان کرده‌اند که نقطهٔ مشترک همهٔ آنها این است که تکرار سبب تأکید معنا و جلب توجه خواننده و شنونده به متن می‌شود. (همان ۳۶)

همان طور که گفته شد در تفاسیر دلایل مختلفی برای تکرار آیات و عبارات قرآنی بیان شده است. گاه برای دو عبارت تکراری معانی متفاوتی بیان شده است. در واقع این موارد به لحاظ معنا تکرار به حساب نیامده و هرکدام به مطلب جدیدی اشاره دارند. برای مثال برای آیات «کلا سیعلمون» و «ثم کلا سیعلمون» (نبا/ ۵ و ۴) در تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶/۲۲۸) و

تحلیل کارکرد همدلی نظریه‌ی زبانی یا کوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۴۳

المحرر الوجیز (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۲۴/۵) برای هر آیه معنای متفاوتی ذکر شده است. مجمع البیان در شرح آیات ۱۷ و ۱۸ سوره انفطار دو معنا برای آنها بیان کرده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۵/۲۶) و المحرر در شرح آیات ۵ و ۶ انشراح (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۹۷/۵). در این دو تفسیر در شرح آیات ۱۳۴ و ۱۴۱ سوره بقره دو معنا برای این دو آیه کاملاً مشابه بیان شده است و هر کدام را خطاب به امتی متفاوت دانسته است. در مجمع البیان گفته شده است که حتی اگر دو آیه به یک معنا باشند تکرار یک مطلب در اوقات و موارد مختلف عیب نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۸/۲) و تکرار عادت عرب در گفتگوهایش است. (همان، ۲۶۵/۱) در المحرر نیز گفته شده ممکن است تکرار به منظور تأکید باشد زیرا این آیه مضمون تهدید و تخویف دارد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۱۷/۱)

در این تفاسیر تکرار به هدف تأکید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۵۹/۲۰؛ ۳۷۳/۲۰؛ ۵۵۴/۲۰؛ ۶۰۱/۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۹۲/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۵/۲۷)، تشدید و تأکید (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۸۵/۴)، تأکید بر عظمت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۵/۲۶)، تأکید و اتمام حجت (همان، ۲۶۵/۱)، تکریر لزیاده تهویل (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۷/۴) نیز بیان شده است.

همان‌طور که مشاهده کردیم در این تفاسیر دو مطلب کلی درباره تکرار بیان شده است. ارائه دو معنای متفاوت و تأکید. مورد اول با تعریف همدلی سازگار نیست زیرا عبارت دوم در واقع تکرار به حساب نمی‌آید و عبارتی با معنایی متفاوت است. تأکید را شاید بتوان از دو جهت دانست. در مواردی تأکید بر مفهومی مهم است و تأکید برای نشان دادن اهمیت مطلب است. گاه تأکید برای ترغیب شنونده به توجه کردن به ارتباط و جهت تقویت کانال ارتباطی و حفظ ارتباط است که در این صورت دارای نقش همدلی است؛ اما در این تفاسیر هیچ اشاره صریحی به تأکید به منظور ایجاد ارتباط نشده است.

### ۳.۳.۳ التفات

التفات صنعتی است که در قرآن بسیار به چشم می‌خورد. با توجه به ویژگی قرآن که کتاب هدایت بشر است و مخاطب آن همه انسان‌ها هستند، بسیار اتفاق افتاده است که خطاب ناگهان به سمت فرد یا گروهی خاص برگشته و مطلب مهمی را به آنها گوشزد می‌کند. همچنین گاه به نشانه اعتراض یا خشم روی سخن از گروه یا فردی برمی‌گردد. در این پژوهش التفات‌هایی دارای کارکرد همدلی دانسته شده‌اند که روی سخن از دیگران به سوی پیامبر که مخاطب اصلی و مستقیم قرآن است برگشته باشد و توجه پیامبر به کلام جلب شده باشد. برای مثال بعد از

آیات متعددی که پیامبر مخاطب مستقیم آن نیست، ناگهان به پیامبر این گونه خطاب می‌شود که «هل اتاک حدیث موسی». این آیه به جهت التفات دارای کارکرد همدلی است.

در آیات مربوط به داستان گاو بنی‌اسرائیل در سوره بقره، بنی‌اسرائیل غائب بوده و روی سخن با پیامبر است. در حالی که در آیات قبل و نیز در آیات پایانی داستان با سیاق خطاب با آنها گفتگو شده است. در میزان دلایل مختلفی برای این التفات بیان شده است. اول اینکه این سیاق غیبت مقدمه‌ای است برای اینکه خطاب بعدی را به‌زودی متوجه بنی‌اسرائیل کند، دوم اینکه آیات میانی به دلیل بی‌ادبی بنی‌اسرائیل خطاب به پیامبر است و آنها را غائب به حساب آورده است و سوم اینکه چون این قسمت از داستان در تورات بیان نشده و یهود از آن بی‌خبر بودند روی سخن با پیامبر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۲/۱) در تفسیر آیه ۴۰ بقره فقط احتمالات در مورد مخاطب آیه بیان شده و از التفات سخنی گفته نشده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۴۶/۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۲۷/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۱)

در ارتباط با آیه ۱۷ سوره انفطار در تفسیر میزان گفته شده است که این عبارت روز جزا را بزرگ و هول‌انگیز نشان داده و اینکه تو نمی‌توانی به حقیقت آن روز احاطه پیدا کنی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۳/۲۰)

### ۴.۳.۳ نداء

نداء و خطاب کردن افراد در بسیاری از آیات قرآن اتفاق افتاده است و مخاطبان از پیامبر گرفته تا مؤمنان و مسیحیان و یهودیان و کفار و ... مورد خطاب قرار گرفته‌اند. نداء در واقع برای جلب توجه مخاطب به سوی کلام به کار می‌رود. با این حال در بسیاری از موارد نمی‌توانیم نداء را دارای کارکرد همدلی بدانیم زیرا گاه عبارت نداء خالی از معنا نبوده و دارای بار معنایی است. برای مثال «یا ایها الذین امنوا» و «یا بنی اسرائیل» گروه خاصی از مردم را جدا کرده و آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد و بنابراین دارای بار ارجاعی است. عبارت «یا ایتها النفس المطمئنه» نیز دارای بار معنایی است و کارکرد همدلی ندارد. با این وجود اگر ندهایی که کارکرد همدلی ندارند تکرار شده باشند به جهت تکرار و اینکه نداء دوم دارای معنایی تازه نیست دارای کارکرد همدلی هستند.



تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۴۵

عباراتی مانند «یا ایها الانسان» و «یا بنی آدم» که کلی هستند و گروه خاصی را مورد توجه قرار نمی‌دهند و همچنین ندهایی مانند «یا موسی» و «یا ایها النبی» و «یا آدم» که به نام شخص خاصی اشاره داشته و بار معنایی ندارند، دارای کارکرد همدلی اند.

در مورد نداء «یا ایها الانسان» در آیه ۶ سوره انشقاق گفته شده است «هذه آیه وعظ و تذکیر» (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۵۷/۵)، در ارتباط با آیه «یا ایها النفس المطمئنه» گفته شده «ان یکلمه اکراما له» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۲/۴) و در ارتباط با آیه ۲۱ بقره «یا ایها الناس» گفته شده «ها در ایها تنبیه و اشاره الی المقصود» (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/ ۹۶). تنها مورد «تنبیه» می‌تواند به نقش همدلی در نداء اشاره داشته باشد که آن هم تنبیه به سوی مقصود کلام است و نه ارتباط.

طبرسی در ارتباط با خطاب «یا ایها الذین امنوا» می‌گوید اگرچه کافران نیز در مقابل اعمال دینی مکلف هستند لکن تنها خطاب را متوجه مؤمنان می‌سازد زیرا تنها آنها هستند که از این خطاب بهره‌مند می‌شوند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۷۷) در کشاف «یا ایها الانسان» التفات دانسته شده است برای تحریک شنونده زیرا این التفات موجب آگاه‌سازی و برانگیزش مخاطب است که اگر با روال سابق سخن گفته می‌شد او برانگیخته نمی‌شد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۸۸-۸۹) خطاب ناس برای این است که تمام کسان شامل خطاب شوند در همه زمان‌ها. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۸/ ۴) خطاب به حاضران از عرب و مکتبی برای شنوندگان تا ذهن ایشان را آماده کند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/ ۱۲۲) آگاه‌سازی مخاطب به وسیله نداء. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴/ ۲۷۲)

### ۵.۳.۳ اسمعوا، سمعنا

در ارتباط با آیاتی که در آنها این عبارات آمده است باید بگوییم که این عبارات مستقیماً شخص را به شرکت در ارتباط و توجه به کلام دعوت می‌کنند و یا به گوینده اطمینان می‌دهند که سخن او شنیده شده و ارتباط برقرار است. به این ترتیب «سمع» را باید شنیدن و گوش دادن معنا کنیم. اما در اکثر تفاسیر «سمع» را به معنای پذیرش سخن و اطاعت از آن تفسیر کرده‌اند. در این صورت این عبارات دارای کارکرد همدلی نیستند زیرا به تقویت کانال ارتباطی مربوط نبوده و دارای بار معنایی هستند.

اسمعوا یعنی موعظه را بشنوید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۲۲۰)

سمع به معنی اجابت و پذیرش است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۸۹)

امر به سمع مجازاً برای اطاعت استفاده می‌شود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵/ ۲۵۴)

امر به شنیدن این امور نجات بخش (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/۲۵۶)

### ۶.۳.۳ استفهام انکاری، ألا، کلاً، سلام

تا اینجا در ارتباط با مواردی که در این دو جزء دارای کارکرد همدلی بودند گفته شد. اما مواردی نیز وجود دارند که در ابتدا به نظر می‌رسد دارای کارکرد همدلی باشند اما با توجه به سیاق آیات و مراجعه به تفاسیر متوجه می‌شویم که این عبارات نقش‌های زبانی دیگری غیر از همدلی دارند. برای مثال «استفهام انکاری» در بعضی موارد دارای کارکرد همدلی دانسته شده است تنها به این دلیل که سؤالی است که به دنبال پاسخ نیست و تنها درصدد جلب توجه مخاطب است. و یا «ألا» که حرف تنبیه است و گفته شده برای آگاه ساختن مخاطب به کار می‌رود. یا «حرف ردع کلاً» که به نظر می‌رسد در ابتدای یک عبارت توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و در بعضی پژوهش‌های مربوط به کارکرد همدلی آن را دارای این نقش دانسته‌اند. کلمه «سلام» که در آیه ۵ سوره فجر آمده است شاید دارای کارکرد همدلی دانسته شود. «سلام و احوالپرسی» از مواردی است که برای شروع یک ارتباط به کار رفته و دارای کارکرد همدلی است، اما در این آیه با توجه به سیاق متوجه می‌شویم در این آیه کارکرد همدلی ندارد.

موارد «استفهام» در قرآن بسیار زیادند. استفهام می‌تواند اهداف مختلفی داشته باشد. استفهام زمانی دارای کارکرد همدلی است که پرسشی واقعی و به دنبال پاسخی واقعی نبوده و به کانال ارتباطی مربوط باشد. برای مثال سؤالات کلیشه‌ای ابتدای یک ارتباط، یا پرسشی که هدفش ترغیب شنونده به شنیدن یا استیناس و تقویت کانال ارتباطی است کارکرد همدلی دارند. استفهام‌های انکاری شاید از این جهت که معمولاً سؤالاتی واقعی نبوده و به دنبال پاسخ نیستند در نگاه اول دارای کارکرد همدلی به نظر برسند. در بسیاری از پژوهش‌ها نیز آنها را دارای کارکرد همدلی دانسته‌اند. اما صرف استفهام انکاری بودن نشان دهنده کارکرد همدلی نیست و باید به سیاق کلام و مفهوم آن عبارت توجه کرد. همچنین استفهام‌ها در مواردی نه به واسطه استفهامی بودن، بلکه به دلیل دیگری کارکرد همدلی دارند. مانند استفهام‌هایی که تکرار شده‌اند، یا در جایگاه التفات قرار گرفته‌اند.

در مجمع‌البیان این مطالب در تفسیر آیات دارای استفهام بیان شده است: استفهام در عم یتساءلون بزرگداشت یک خبر بزرگ و مهم است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶/۲۲۷)، تقریر و بیان داستان (همان ۲۵/۲۷۶)، پند و موعظه و تحذیر برای مردم (همان ۲۶/۲۸۶)، خطاب به پیامبر و

تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پروان و دیگران) ۴۷

تنبیه کفار (همان ۶۷/۲۷)، استفهام در «ما القارعه» بزرگداشت مقام روز قیامت و به تعجب انداختن پیامبر است (همان ۲۴۶/۲۷)، تعظیم و بزرگداشت امر (همان ۲۴۸/۲۷؛ ۲۷۱/۲۷)

در میزان در ارتباط با استفهام‌های موجود در این دو جزء موارد بسیاری گفته شده است: دلیل استفهام در «عم یتساءلون» اشاره به حقارت و پوچی سؤال و روشن بودن پاسخ این سؤال است و اینکه اصلاً جایی برای این تسائل نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۵۷/۲۰) در استفهام «هل اتاک حدیث موسی» دلیل خطاب رسول خدا با استفهام، تسلیتی برای پیامبر و تهدیدی برای کفار است. همچنین منظور از این استفهام ترغیب شنونده است به اینکه داستان را خوب گوش دهد (مثل اینکه خود ما وقتی می‌خواهیم خبر مهمی به طرف مقابل بدهیم و او خوب گوش بدهد در آغاز می‌گوییم هیچ خبر داری؟) این نوع استفهام منافاتی با اطلاع قبلی شنونده از داستان ندارد؛ زیرا منظور این نیست که حقیقتاً داستان را به اطلاع شنونده برساند بلکه منظور این است که او را متوجه سازد و به یادش بیندازد. (همان ۳۰۳/۲۰) به جهت توییح و رفع استبعاد (همان ۳۰۸/۲۰)، عتاب انسان (همان ۳۶۷/۲۰)، استفهام در «هل اتاک حدیث جنود» (۱۷/بروج) مطالب گذشته را مسلم می‌کند و در عین حال دلگرمی برای رسول خدا و مایه مسرت نفس شریف اوست (همان ۴۲۱/۲۰)، در «افلا ینظرون الی الابل» منظور سؤال جدی نیست بلکه به منظور مهم جلوه دادن مطلب است (همان ۴۵۶/۲۰) استفهام در «و ما ادراک ما العقبه» کنایه از عظمت شأن عقبه است (همان ۴۹۰/۲۰)، شگفتی انگیزتن (همان ۵۵۲/۲۰)، عظمت و فخامت امر (همان ۵۹۷/۲۰) تعظیم و هول انگیزی (همان ۶۱۷/۲۰).

زمخشری در تفسیر کشاف به این موارد اشاره کرده است: «و ما ادراک» لفخامه شأنه (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۳۴/۴؛ ۶۸۳/۴)، نظر الاعتبار (همان ۷۴۴/۴)، «در الم نشرح لک صدرک» استفهام انکاری در نفی شرح به معنی اثبات و ایجاب شرح (همان ۷۷۰/۴).

در تفسیر المحرر الوجیز در شرح استفهام چند نکته ذکر شده است: اکمال التوییح و الوعید (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۰۲/۵)، تحریص و ترغیب به عبادت و تفخیم امر (همان ۵۰۴/۵)، التأكيد الابلاغ (همان ۵۳۱/۵)، در «ما ادراک» تعظیم و اظهار تعجب از سچین و ممکن است تقریر باشد، به این معنی که یعنی این را قبل وحی نمی‌دانستند (همان ۴۵۱/۵).

در ارتباط با آیه ۴۴ سوره بقره «اتأمرون الناس بالبر وتسنون انفسکم وأنتم تنلون الکتاب أفلا تعقلون» تفسیر مجمع البیان برای «افلا تعقلون» چهار تفسیر ارائه داده است که همه آنها ناظر به مضمون آیه هستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۱۵۶). کشف آن را توییحی شدید دانسته و آن را

اینطور معنی کرده که آیا شما قبح این کاری را که انجام می‌دادید نمی‌فهمید که این قبح شما را از ارتکاب به این کار بازدارد؟ و گویا شما فاقد عقلید زیرا عقل این کار را منع می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۱۳۳). ابن عاشور می‌گوید در انتهای آیه «افلا تتقون» نیامده زیرا آنچه در آیه آمده حرام نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۴۶). و همین نشان می‌دهد که مفسر این استفهام را به مطلب بیان شده در آیه برگردانده است. اگر «افلا تعقلون» معنایی مستقل از آیه داشت و هدفش جلب توجه مخاطب به ارتباط بود می‌توانستیم برای آن کارکرد همدلی در نظر بگیریم.

در بین تمام این موارد تفسیری تنها طباطبایی در تفسیر آیه «هل اتاک حدیث موسی» توضیحاتی می‌دهد که کاملاً شبیه به کارکرد همدلی است. آنجا که می‌گوید هدف از استفهام ترغیب شنونده است به اینکه داستان را خوب گوش دهد و هدف اصلی بیان داستان و مطلع کردن شنونده نیست. ما این آیه را ذیل موضوع «النفات» دارای کارکرد همدلی دانستیم. زیرا روی سخن به پیامبر برگشته و او را مستقیماً درباره‌ی این مسئله مورد خطاب قرار داده است.

در ارتباط با «حرف ردع کلاً» در تعدادی از پژوهش‌های مربوط به کارکرد همدلی در قرآن، «کلاً» دارای کارکرد همدلی دانسته شده است. اما بر اساس تعریف، «کلاً» حرف ردع است و مطلب ماقبل را ردّ و انکار کرده و جمله بعد را اثبات می‌کند. در مواردی نیز جمله قبل را ردع نمی‌کند و تنها در تأیید جمله بعد است و در اینجا حکم استفتاح دارد. بنابراین در هر صورت «کلاً» به مضمون جمله مرتبط است و بر آن تأکید دارد و در نتیجه کارکرد ارجاعی دارد. «کلاً» ارتباطی با کانال ارتباطی نداشته و کارکرد همدلی ندارد. با توجه به متن و سیاق آیاتی که «کلاً» در ابتدای آنها آمده است نیز متوجه می‌شویم این حرف ردع در ارتباط با مطالب بیان شده در جملات قبل و بعد آن است.

در تفاسیر در ارتباط با «کلاً» مطالبی بیان شده است که به نقش همدلی شباهتی ندارند. به اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم. در همه این موارد ردع در مورد مضمون آیه صورت گرفته است و نه کانال ارتباطی. ردع از روی مسخره (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۸۵)، ردع از عتاب بر شخص و از بازگشت به مثل آن (همان ۴/۷۰۲)، ردع انسان از آنچه در آن است (همان ۴/۷۰۳)، ردع از غرور به خدای کریم (همان ۴/۷۱۶)، ردع برای کسی که به نعمت خدا کافر شده (همان ۴/۷۷۷)، کلاً به معنی حقا (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۰۷/۲۰۶)، کلاً زجر است، تقدیرش این است که اینطور نکنید (همان ۲۷/۷۸)، کلاً نفی مؤکد و اثبات اینکه آن ترک حق تعالی است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵/۴۳۹)، کلاً برای آنها اثبات کرده که دین را تکذیب کردند (همان ۵/۴۴۷) ردّ قول و اعتقاد آنها (همان ۵/۴۷۹) ردّ افعال آنها (همان ۵/۴۸۰)، کلاً مثل حاشا ردع و

تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۴۹

انکار را می‌رساند. انسان‌های مغرور به کرم خدا را ردع می‌کند (المیزان، ۱۳۷۴: ۲۰/۳۶۸)، کلا ردع و رد رفتاری است که انسان در مقابل نعمت‌های خدا می‌کند (همان ۲۰/۵۵۰)، کلا ردعی شدید و تهدیدی بالغ است (همان ۲۰/۵۵۳).

طباطبایی در ارتباط با سه آیه ۳-۵ سوره تکوین «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ» می‌گوید کلاّی اول ردع و تخطئه ایشان است از اینکه با سرگرمی به چنین امر بیهوده‌ای از اهداف مهم‌شان باز می‌مانند. دومین کلاّ، ردع پیشین را تأکید می‌کند. با این حال اشاره می‌کند که جمله دوم تأکید نیست زیرا اولی مربوط به هنگام مرگ و دومی مربوط به قیامت است. طباطبایی سومین کلاّ را ردعی بر ردع و تأکیدی بر دو جمله قبل می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۶۰۲)

اگر طبق نظر تفسیر المیزان دو کلاّی بعد را تأکید بدانیم، آنها از جهت تأکید بودن و اینکه معنای جدیدی را منتقل نمی‌کنند کارکرد همدلی دارند. و اولی کارکرد ارجاعی دارد. اما اگر برای هر یک تفسیری متفاوت بیان شود در این صورت هر سه کارکرد ارجاعی دارند.

بنابراین درباره تمام آیات «کلاّ» به ردع مضمون جمله قبل و یا تأیید جمله بعد تفسیر شده است و کارکرد ارجاعی دارد. تنها در چند مورد که «کلاّ» دو یا چند بار تکرار شده است، اگر مفسر تکرارها را تأکیدی بر ردع‌های قبل بداند و معنای جدیدی برای آنها بیان نکرده باشد در این صورت آن موارد به سبب تکراری بودن دارای کارکرد همدلی هستند. در صورت بیان معنای متفاوت برای هر عبارت دارای کلاّ، باید برای آنها کارکرد ارجاعی در نظر گرفت.

همچنین کشاف در تفسیر آیه ۶ سوره علق «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» کلاّ را ردع کسی می‌داند که با طغیان کفران نعمت‌های الهی می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۷۷۷) همچنین درباره آیات ۱۵ و ۱۹ همین سوره (همان ۴/۷۷۸-۷۷۹)

هیچ یک از موارد ذکر شده به نقش همدلی زبان نزدیک نیستند و صرفاً به توضیح مفهوم کلاّ در عبارت مورد نظر پرداخته‌اند.

در ارتباط با حرف تنبیه «ألا» که در چند آیه این دو جزء آمده‌اند باید گفت که تنبیه در نحو به توجه دادن مخاطب به کلام گفته می‌شود و بر حتمی بودن وقوع مابعد دلالت می‌کند. چنان که از این تعریف برداشت می‌شود ادات تنبیه بر خود کلام تأکید دارند. با این حال تعدادی از پژوهش‌های مربوط به کارکرد همدلی در قرآن، «ألا» را دارای کارکرد همدلی دانسته‌اند. در زبان عربی به کارکرد همدلی الوظيفه التنبهيه گفته می‌شود. وجه تسمیه آن این است که مخاطب توسط عبارات دارای این کارکرد زبانی نسبت به ارتباط آگاه شده و به آن توجه داده می‌شود.

هدف حروف تنبیه نیز آگاه سازی مخاطب است و به همین دلیل گاه حروف تنبیه را دارای کارکرد همدلی دانسته‌اند. با این حال با بررسی آیات دارای حروف تنبیه متوجه می‌شویم که این آیات در اغلب موارد مخاطب را نسبت به مضمون آیه آگاهی و هشدار می‌دهند و نه کانال ارتباطی. برای مثال «الّا» در آیه «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (بقره/ ۱۲) بر فاسد بودن منافقان تأکید می‌کند و توجه مخاطب را به این مسأله جلب می‌کند.

تفسیر التحریر و التنویر بیشتر از سایر تفاسیر به این مسأله پرداخته است. ابن عاشور «الّا» را به منظور استفتاح کلام (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۹۴، ۳/۱۶۰) و برای تنبیه و هشدار دادن به شنونده (همان ۳/۲۰۴، ۳/۱۲۵، ۳/۱۲۸) می‌داند. در جایی می‌گوید افتتاح کلام با حرف تنبیه الّا برای اهتمام به مضمون آن و اهتمام به تحقق خبر است (همان ۱۱/۲۰۴، ۱۱/۲۱۱). ابن عاشور در یک مورد «الّا» را برای هشدار دادن به مخاطب بیان کرده که به نظر می‌رسد شبیه به کارکرد همدلی است. اما با توجه به دیدگاه مفسر در سایر آیات متوجه می‌شویم این مورد نیز هشدار دادن نسبت به مضمون آیه است.

یکی دیگر از مصادیق کارکرد همدلی «سلام و احوالپرسی» و جملات و سؤالات کلیشه‌ای است که در ابتدای ارتباط و به منظور شروع ارتباط بیان می‌شوند. در تعدادی از آیات قرآن کلمه «سلام» آمده است. اما نمی‌توان همه آنها را بدون توجه به سیاق و معنای «سلام» در آن آیه دارای کارکرد همدلی دانست و باید آنها را به صورت موردی بررسی کرد. «سلام» در صورتی می‌تواند دارای کارکرد همدلی باشد که برای شروع و یا پایان دادن به یک ارتباط بیان شده باشد و در کل به کانال ارتباطی مربوط باشد و معنای خاصی غیر از همان عبارت کلیشه‌ای شروع و انتهای ارتباط نداشته باشد. در صورتی که «سلام» دعایی برای سلامتی شخصی و یا درود فرستادن بر کسی باشد و به جهت تقویت کانال ارتباطی نباشد نمی‌تواند دارای کارکرد همدلی باشد. با این تعاریف «سلام» در آیه ۵ سوره فجر «سلام هی حتی مطلع الفجر» کارکرد همدلی ندارد.

#### ۴. نتیجه

بعد از مطالعه دقیق دو جزء اول و آخر قرآن و استخراج آیات دارای کارکرد همدلی، فراوانی و نوع کارکرد همدلی در این بخش‌ها در جداول مربوطه مشخص شدند. در هر دو جزء آیاتی وجود دارند که نقش همدلی زبان در آنها مشاهده می‌شود. طبق نتایج مشاهده شده، تعداد و تنوع کارکرد همدلی در این دو جزء تقریباً یکسان است.

## تحلیل کارکرد همدلی نظریه‌ی زبانی یاکوبسن در سوره‌های ... (مریم پیروان و دیگران) ۵۱

کارکرد همدلی موجود در این آیات از نوعی بودند که در شروع کلام یا در میانه کلام باعث ورود مخاطب به ارتباط و نگه داشتن او در ارتباط و تقویت کانال ارتباطی می‌شدند و نه از نوعی که مربوط به پایان دادن به کلام می‌شود. برای مثال شروع خاص کلام برای شکستن سکوت و جلب توجه مخاطب، تکرارها، التفات، صدا کردن مخاطب.

در سوره مکی کارکرد همدلی از نوع تکرار، التفات و نداء و در آیات مدنی از نوع حروف مقطعه، تکرار، نداء، درخواست برای توجه به ارتباط و اطمینان دادن از برقراری ارتباط هستند.

در تفاسیر مورد نظر تنها درباره‌ی بعضی از مواردی که ما به عنوان عبارات دارای کارکرد همدلی مشخص کردیم مطالبی بیان شده بود که می‌توانستیم آنها را ناظر به کارکرد همدلی زبان بدانیم. برای مثال در ارتباط با حروف مقطعه و تکرار. در بعضی موارد دیدگاه تفاسیر همدلانه بودن آیات را رد می‌کرد و در بعضی موارد در تفاسیر توضیحاتی ناظر به کارکرد همدلی وجود داشت اما آن عبارات در واقع دارای کارکرد همدلی نبودند.

توضیحات نزدیک به کارکرد همدلی در تفاسیر، نقش مؤثری در فهم متن داشتند. در مواردی که به نقش همدلی اشاره‌ای نشده بود، توجه به این نقش می‌توانست ابهاماتی را از متن برطرف کرده و به فهم بهتر آن کمک کند.

## کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن عاشور محمدطاهر (۱۴۲۰ ق.). *تفسیر التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.  
ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق.)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، ۶ جلد، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

آهی، محمد؛ فیضی، مریم (۱۳۹۲)، «نقش‌های شش‌گانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، شماره ۲۰، ص ۲۱۹-۱۸۷.

رزقی، حوریه (۲۰۱۵) «الوظیفه التنبیهیه فی وصایا لقمان من منظور التبلیغ»، *أبحاث فی اللغة و الأدب الجزائری*، ص ۶۹-۸۸.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق.)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*، ترجمه مصطفی حسین احمد، ۴ جلد، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.

سوزنچی کاشانی، راضیه (۱۳۹۰)، «پایان نامه: نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم بر مبنای الگوی کارکردهای شش‌گانه رومن یاکوبسن»، راهنما احمد پاکتچی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۵۲ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی، ۲۰ جلد، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، ۱۰ جلد، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو.

کرامتی، چیستا (۱۳۹۰)، «پایان نامه: جملات پرسشی در نقش همدلی در زبان فارسی»، راهنما کوروش صفوی، دانشگاه علامه طباطبایی.

کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۰). پدیده تکرار در قرآن و مسأله ترجمه آن. نشریه ترجمان وحی: ۳۲ - ۶۰.

گرچی، مصطفی؛ نورالدین اقدم، یحیی (۱۳۹۶)، «ایوان مدائن در ترازوی ارتباط، بررسی و تحلیل قصیده «ایوان مدائن» براساس نظریه ارتباطی یاکوبسن»، بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، شماره ۳، ص ۱۲۶-۱۰۹.

گیرو، بی‌یر (۱۳۹۲) نشانه شناسی، مترجم محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه.

مدفونی، فاطمه الزهراء (۲۰۱۱)، «پایان نامه: الأدوات التبیهية وظائفها اللغوية وأغراضها البلاغية»، جامعه العربی بن مهیدی، کلیة الاداب واللغات والعلوم الاجتماعية والإنسانية أم البواقي، قسم اللغة العربية وآدابها.

هاشمی، احمد (۱۳۸۴)، جواهر البلاغه، محمود خرسندی و حمید مسجدسرای، ۱ جلد، چاپ اول، قم، نشر حقوق اسلامی.

یاکوبسن، رومن فالر، راجر، لاج، دیوید (۱۳۶۹)، زبان شناسی و نقد ادبی (مجموعه مقالات)، ترجمه مریم خوزانی و حسین پاینده، چاپ اول، تهران، نشر نی.

یوسفی، سیده فائزه (۱۳۹۱)، «پایان نامه: بررسی مقابله‌ای کارکرد نقش همدلی در زبان‌های فارسی و انگلیسی»، راهنما کامبیز محمود زاده، دانشگاه علامه طباطبایی.

Coupland/ Coupland/ D. Robinson, Justine/ Nikolas/ Jeffrey (1992), "How Are You?": Negotiating Phatic Communion", *Language in Society*, n.2, pp. 207-230.

Jakobson, Roman (1960), "linguistics and poetics", *Cabridge: Massachusetts institute of Technology Press.*, pp. 350-377.

Jakobson, Roman (1976), "Metalanguage as a linguistic problem", *Különtenyomat a Nyelvtudományi Közlemények, Kötetének 2*

Jakobson, Roman (1988), *Language in literature, Belknap Press*

Naderi, Naeime (2017), "Analysis of Phatic Utterances in Fictional Dialogue: A Case study of Austen's Persuasion", *Jostarnameh Comparative Literature*, n.1, pp. 126-140.

Noronha /Malshe, Emelia/ Milind (2015), "The Phatic Function and the Socializing Element of Personal Blogs", *World Academy of Science, Engineering and Technology International Journal of Humanities and Social Sciences*, n.8, pp. 2744-2750.



تحليل كارکرد همدلی نظريه زبانی ياكوبسن در سوره‌های ... (مريم پيروان و ديگران) ٥٣

منبع اينترنتی

الجميلي، عدنان جاسم محمد (٢٠١٧)، «الوظيفة الانتباهية في قصة النبي موسى والخضر عليهما السلام مقارنة أسلوبية في ضوء النظرية التواصلية عند جاكسون»، المؤتمر الدولي السابع للغة العربية، ص ١٦٠-١٦٩،

<https://www.researchgate.net/publication>

